

آسیب شناسی فعالیت گروهی



عکس: Peter Samis

فیروزه فروزانفر - روزنامه نگار

اهمیت کار گروهی

کار گروهی عبارت است از: مجموعه تلاش های آگاهانه، منسجم و هماهنگ افرادی که برای دست یابی به هدف یا اهدافی مشترک صورت می گیرد و هم افزایی در محصول و نتیجه را در پی دارد.

باید توجه داشت که یک گروه کاری، تنها جمع عده ای داوطلب برای مشارکت در یک فعالیت نیست، بلکه از سازماندهی ویژه ای نیز برخوردار است، که بدون آن، ارزش افزوده حاصل نمی شود. یک گروه کاری علاوه بر اعضای گروه، نیاز به راهبر و نظام ارتباطی؛ یعنی شیوه و گردش کار ویژه ای دارد که اعضا را به هم و به راهبر گروه مرتبط سازد. نظیر این که اگر قرار باشد چند کامپیوتر در یک شبکه با هم همکاری کنند به یک سرور مرکزی نیاز خواهد بود، که از سیستم عامل ویژه ای برخوردار است. پیش از آنکه به خصوصیات کار گروهی و تیمی بپردازیم بهتر است چند آسیب جدی کار تیمی را مرور کنیم.

شیوه های مناسب برخی از دیگر آسیب های محتمل فعالیت های جمعی به قرار ذیل است:

- کار گروهی رشد فردی را تحت الشعاع قرار می دهد. کسانی که قدرت رشد فردی بالاتری دارند، به دلیل این که باید با گروه همراه و نقایص افراد در جمع پنهان می از سرعت خود بکاهند و به پای افراد کند و ضعیف گروه حرکت کنند هماهنگ شوند، مجبور ستند شود، به گونه ای که برای افرادی که ضعیف تر از بقیه هستند، این فکر پیش می آید که به دلیل هم گروه بودن با افراد قوی می توانند مشکلات خود را نادیده گرفته و احيانا از آن ها غافل شوند و در صدد حل و رفع آن برنمایند. افراد ضعیف در کنار افراد قوی ناخودآگاه گمان می کنند که همواره کارها به خوبی پیش می رود و نیازی به بازسازی شخصیت و مهارت افزایی وجود ندارد.
- حرکت در کار گروهی کندتر از کار فردی است و سبب تأخیر در اقدام می شود. به این معنی که اگر افراد انگیزه های لازم را داشته باشند، به دلیل این که در گروه نیاز به هماهنگی و همراهی همه یا اکثر افراد دارند، باید زمانی را برای هماهنگ شدن و همراه شدن با دیگر اعضای گروه صرف کنند و حال آن که در حالت فردی چنین هماهنگی نیاز نیست و به لحاظ زمان بازدهی بیشتری خواهند داشت.
- ناامیدی و بی اعتمادی از نخستین نشانه های برخورد با موانع و مشکلات در یک حرکت جمعی است. در بسیاری از مواقع، وقتی یک حرکت جمعی با مشکلی مواجه می شود، که سرعت حرکتش را کند می کند، یا حتی خطر آن می رود که به صورت کامل متوقفش کند، یکی از ساده ترین واکنش ها این است که ماهیت جمعی بودن آن را زیر سؤال ببریم. سستی و جدانشدن بعضی از اعضای گروه در خلال، باعث می شود که کار گروه ابر بماند. به عبارت دیگر اگر کار جمعی تا انتها به سرانجام نرسد، ممکن است هیچ بهره ای از کار حاصل نشود، حال آن که در کار فردی، شخص در هیچ لحظه ای معطل کسی نمی ماند و بنابراین، احتمال این که کارش از ناحیه دیگران بی ثمر شود، بسیار پایین می آید.
- در کار گروهی لازم است بخشی از انرژی، در سازماندهی، نظارت و کنترل در کار صرف شود، در حالی که در کار فردی این انرژی نیاز نیست. اگر این هماهنگی نباشد ممکن است نتیجه کار افراد توسط دیگران خنثی یا معکوس شود.
- در شبکه روابط گروهی باید مهارت حفظ روابط، و حل تناقضات، مشکلات و مسائل وجود داشته باشد. اگر این مهارت ها وجود نداشته باشد، گروه ها دچار مشکل می شوند، نداشتن مهارت های کار جمعی، یکی از مشکلات و آسیب های آن به شمار می رود.

اما خصوصیات یک کار تیمی عبارتند از:

ارادی و آگاهانه بودن

قید آگاهانه در این تعریف آن دسته از تلاش هایی را که به صورت ناخودآگاه در قالب جمعی صورت می گیرد، از کار تیمی خارج می کند. به عبارت دیگر، اگر برخی فعالیت های فردی، در شرایطی کاملاً اتفاقی با فعالیت های فردی دیگران هماهنگ شود و نوعی هم افزایی را به وجود آورد، کار گروهی محسوب نمی شود. به دیگر بیان چون اراده ما تاثیری در شکل گیری چنین فعالیتی به صورت گروهی نداشته است، در این جا مورد بررسی قرار نمی گیرد.

انسجام و هماهنگی

هماهنگی میان اعضای گروه در دو سطح قابل تصور است:

- به فعالیت های دیگران نباشد. یکی این که فعالیت هر عضو گروه، ضدیتی با کار سایر اعضای گروه نداشته باشد و مزاحم سطح دوم و بالاتر این که فعالیت هر فرد علاوه بر این، کمک به کار آن ها نیز محسوب شود.

سطح مطلوب در یک کار گروهی بهینه، سطح دوم است و لذا در این قسمت لازم است تا روشن کنیم که چگونه می توان به این سطح از هماهنگی میان اعضا دست یافت. دو دسته عامل در بین اعضای گروه وجود دارد که می توان از طریق آن ها سطح هماهنگی گروه را بالا برد:

یکی عوامل مشترک که به چگونگی قرار گرفتن اعضا در گروه بازمی گردد و دیگری عوامل درونی و فردی است. این دو، هم بر انسجام گروهی و هم بر یکدیگر نقش تاثیر گذاری دارند. عوامل دسته اول هنگام طراحی گروه باید به شکل بهینه مد نظر باشد و عوامل درونی باید توسط اعضای گروه به طور شخصی مورد توجه و عمل قرار گیرند تا سطح بالایی از انسجام گروهی حاصل گردد که ما در این جا به برخی از این عوامل شخصی اشاره می کنیم.

- اعتقاد به کار گروه .
- داشتن مهارت های کار گروهی.
- روحیه اطاعت از رهبر منتخب.
- نظم و انضباط ویژه در امور شخصی.
- و همراهی با روحیه کار تشکیلاتی، از جمله این که محدوده ها، حدود، وظایف و اختیارات تعریف شده در گروه را به رسمیت بشناسند جمع را حتی در امور مخالف نظر شخصی شان را داشته باشند. مخالفت باید قبل از تصمیم گیری و در مرحله تضارب آرا باشد، ولی بعد از تصمیم گیری گروهی، نظرات شخصی کنار گذاشته شود و همدلانه برای تحقق اهداف گروه تلاش شود. تعهد و وظیفه شناسی داشته به اندازه توان مسئولیت قبول کنند. در تصمیم . باشند، خیال همه راحت باشد که فرد وظایف محوله را به نحو احسن انجام خواهد داد . فرد برای همه گیری ها، اصل مشورت را رعایت کنند. توان تصمیم گیری در محدوده اختیارات و مسئولیت مربوطه شان را داشته باشند . جزئیات منتظر تصمیم گروه نباشد.

همچنین:

- گذشتن از علایق شخصی به نفع اهداف گروه .
- تحمل کندی رشد شخصی به خاطر همری با گروه.
- تحمل کندی طبیعی انجام کار گروهی.
- مدارا با افراد سطح پایین تر و تشویق آنان به رشد و پیشرفت به جای سرزنش زبانی و عملی آنان.
- پذیرش عضویت در گروه تنها در صورت هماهنگی میان اهداف شخصی با اهداف گروهی است، در غیر این صورت، نه گروه را معطل خودشان کنند و نه خودشان را معطل گروه.
- تنظیم برنامه سایر فعالیت ها با لحاظ برنامه های جمعی و ایجاد هماهنگی میان آن ها.
- جدیت در انجام وظیفه محوله به صورتی که نوع کار، رفتار دیگران و سایر عوامل در اراده و جدیت فرد تاثیری نگذارد.
- اخلاص در انجام وظیفه؛ یعنی هر عضو فقط به دنبال بهبود رابطه با خدا باشد نه چیزهایی؛ از قبیل امتیازجویی و رقابت با دیگران.

نکته: کار گروهی تنها در صورتی پیش می رود، که اعضای گروه بتوانند به کار دیگران اعتماد کنند. بنابراین، اگر اعضای گروه به کار باید آن کار را یا خودش انجام دهد و یا مجدداً آن را چک و بازنگری کند، که این مسئله کار را از گروهی دیگری اعتماد نداشته باشد، بودن خارج می سازد. برای این منظور لازم است هر کس به ضوابط بالا به صورت حداکثری مقید باشد تا این حسن اعتماد حاصل و تقویت شود.